

جهان‌شهر

چهارشنبه ۱۶ آبان ۱۴۰۳

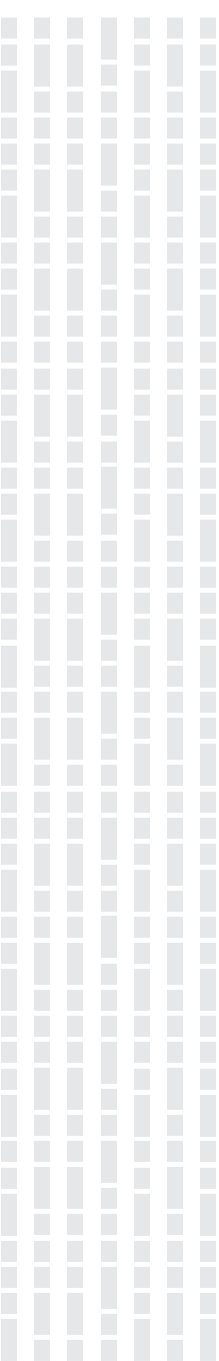
شماره ۴۷۷۷

فروشگاه اینترنتی

FARHIKHTEGANDAILY.COM

فروشگاه اینترنتی

FARHIKHTEGANONLINE



چهل روز پس از شهادت سیدحسن نصرالله، مقاومت لبنان در همان مسیری استوار است که او طراحی کرد

راه نشان داده‌ای



سیدمهدی طالبی
یوتیوشکر حوزه بین الملل

چهل روز از شهادت سید حسن نصرالله، دبیرکل افسانه‌ای مقاومت لبنان گذشت. او پس از چند اقدام شگفت‌آور صهیونیست‌ها در انفجار بیجرها، انفجار بی سیم‌ها و ترور و شهادت فرماندهان مقاومت، در بمباران سنگین محل اقامتش با ۸۰ بمب یک تنی سنگرشکن به شهادت رسید تا به زعم صهیونیست‌ها ستون حزب‌الله متزلزل شده و فروریزد.

این اتفاق رخ نداد و مقاومت بر شدت حملات خود علیه رژیم افزود که در تاریخ درگیری آنها با هم، بی‌سابقه بوده است. حمله به منزل بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به قصد کشتن وی تنها یکی از این اقدامات است. او هرچند از مهلکه گریخت اما این واقعه به صهیونیست‌ها نشان داد حتی عالی‌رتبه‌ترین مقامشان نیز در سرزمین‌های اشغالی امنیت ندارد.

طی یک ماه جنگ، صهیونیست‌ها ۹۵ کشته و ۹۰۰ زخمی در مرزبای لبنان داده‌اند تا فشاری بزرگ برای تجدیدنظر در جنگ، ایجاد شود. نهاد‌ها و کارشناسان صهیونیست بی‌مکان‌اند در هنگام گرفتاری شان در لبنان، از جبهه‌های دیگر ضربه‌ای سنگین دریافت کنند. برخی از این جبهه‌ها غیرفعال و برخی نیز شناخته شده‌اند؛ از جمله ایران که قرار است حمله‌ای سخت و بی‌پنجه در پاسخ به تجاوز رژیم به خاک ایران در بامداد ۵ آبان ماه، ترتیب دهد.

مقاومت لبنان در ۴۰ روزی که در غم فقدان رهبر اسطوره‌ای خود می‌سوخت، شعله‌های آتش جنگ را به سراسر تأسیسات و مراکز مهم صهیونیست‌ها در حیفا و تل‌آویو کشاند. این واقعه، حقیقتی تلخ را برای شه‌رک‌نشینان هویدا ساخت. اگر آن‌ها زمانی بر این تصور بودند که دشمن لبنانی‌شان را می‌توانند نابود کنند، دریافتند با دشمنی روئین‌تن روبه‌رویند. هضم این واقعیت برای جامعه رژیم ساده نیست. اگر دشمن آن‌ها نامیرا باشد، باید چه کنند؟

در این گزارش تلاش شده اوضاع لبنان و جنگ این کشور با صهیونیست‌ها در اربعین شهادت سیدحسن نصرالله مورد ارزیابی قرار گیرد.

شیب و شدت حملات

مقاومت لبنان با شدتی متوسط حملات خود را به سرزمین‌های اشغالی ادامه داده و با شیبی ملایم و به آرامی در حال بالابردن ضربات است. مهم آنکه حزب‌الله با وجود جنایت‌های گسترده رژیم در کشتار مردم و رهبران حزب‌الله، دچار خضای شناختی و سوء محاسبه نشده و با کنترل هیجانات به نبرد ادامه می‌دهد. شدت و شیب ملایم حملات مقاومت می‌تواند دلایلی داشته باشد:

۱. حزب‌الله با توجه به احتمال طولانی شدن جنگ به دنبال حفظ ذخایر خود است. پیش از جنگ تخمین زده می‌شد که آنها دارای ۱۵۰ هزار راکتند. مقاومت لبنان طی یک‌سال زد و خورد و سپس جنگ، تاکنون تقریباً ۸ هزار راکت پرتاب کرده که معادل ۵ درصد ذخایر تخمینی است. در یک‌سال درگیری میانگین پرتاب‌ها شامل ۲۰ راکت در روز بوده است. با تبدیل زد و خورد‌ها به یک جنگ، تعداد راکت‌های پرتابی به روزانه بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ راکت رسید. باید توجه داشت در اغلب روزها تعداد راکت‌های پرتاب شده همان ۱۰۰ تیره است. تعداد پرتاب پهپادها نیز به صورت هفتگی حداکثر ۳۰ فروند است.

با دنظر گرفتن این اعداد، مصرف ماهانه مقاومت لبنان به ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ راکت و ۱۰۰ تا ۱۲۰ پهپاد می‌رسد. برای یک‌سال، تعداد راکت‌های پرتاب شده به ۳۶ تا ۴۲ هزار و تعداد پهپادها بین ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ خواهد بود. این میزان معادل یک‌سوم ذخایر راکتی و پهپادی مقاومت لبنان است.

با توجه به ارزیابی‌ها و لزوم آمادگی مقاومت برای جنگ طولانی مدت، این گروه برای استمرار پرتابه‌ها، از مصرف حجم بالای مهمات در زمان کوتاه اجتناب می‌کنند.



باید در نظر داشت استفاده کامل از ذخایر نیز به دلایلی امکان‌پذیر نیست.

بخشی از راکت‌ها و پهپادها بر اثر ضریب‌های عادی و بروز مشکل فنی قابل استفاده نخواهند بود. همچنین بخشی دیگر ممکن است در بمباران‌های رژیم مه‌نهدم شوند.

با چنین وضعیت و دورنمایی از جنگ طولانی، مقاومت شدت و شیب حملات به سرزمین‌های اشغالی را طراحی کرده است. علی‌رغم تخمین‌ها در خصوص وجود حداکثر ۱۵۰ هزار راکت در ذخایر مقاومت لبنان، این گروه احتمالاً دارای ظرفیت پراکنده تولید در سخت‌ترین شرایط است و می‌تواند در طول جنگ ذخایر را ترمیم کند و یا دست به دریافت محموله از منابع خارجی بزند؛ چه اینکه مقاومت غزه تحت محاصره کامل موفق به ساخت و دریافت راکت از منابع خارجی شد.

با وضعیت کنونی جنگ، مقاومت لبنان می‌تواند بین سه تا پنج سال جنگ را ادامه دهد. این تخمین بر اساس دارایی‌های موجود در لبنان است بدون آنکه بر جبهه‌های دیگر و یا ارسال سلاح در مقادیر بزرگ، حسابی باز شود.

۲. مقاومت لبنان به دنبال کنترل وحشیگری صهیونیست‌هاست و از این رو برای جلوگیری از بهانه‌جویی رژیم برای کشتار و تخریب بیشتر، با سیاستی خاص و حجمی قابل کنترل، دست به حمله علیه اراضی اشغالی می‌زند. اگر تل‌آویو بهانه بیابد، با تبلیغ فراوان، توجه لازم برای افزایش حجم بمباران‌ها را برای خود ایجاد می‌کند.

۳. مقاومت لبنان طی ماه‌های اخیر با مشکلات زیادی روبه‌رو شده و به همین دلیل بخش‌های مختلف این گروه در حال بازیابی و احیای توان خود به ویژه نسبت به گذشته‌اند. انفجار بیجرها به زخمی شدن ۳ تا ۵ هزار نفر انجامید، ده‌ها نفر از رهبران عالی‌رتبه ترور و شهید شدند و مسئولیت آوارگان هم بر دوش مقاومت افتاد. تعداد شهدا و زخمی‌ها در لبنان نزدیک به ۱۰ هزار نفر و تعداد آوارگان به ۱٫۵ میلیون نفر رسیده است که اداره امور آن‌ها نیازمند اختصاص منابع انسانی و مدیریتی قابل توجهی است. از سوی دیگر هم زمان ۷۰ هزار سرباز رژیم برای نفوذ به جنوب لبنان در مرزهای با این کشور مستقر شده و در حال عملیات‌اند. مقابله با حمله زمینی رژیم هم که فوری‌تر از هر خطری است، توان زیادی از مقاومت گرفته است. مقابله با حمله از جنوب و اداره تلفات و آوارگان احتمالاً در شدت حملات راکتی نقش داشته است اما اثرش چندان قاطع و سنگین نیست.

هدف قراری دادند اما مدتی قبل از تبدیل درگیری‌ها به یک جنگ آن‌ها فرماندهان عالی‌رتبه نظامی را هم مشمول ترورها کردند. تقریباً با آغاز جنگ، طبقه سیاسی حزب‌الله نیز وارد بانکت ترورها شدند به‌گونه‌ای که دبیرکل، نایب‌رئیس اجرایی و یکی از اعضای شورای مرکزی مقاومت لبنان در عملیات‌هایی جداگانه به شهادت رسیدند. وقیع صفا، مسئول ارتباطات مقاومت لبنان فرد بعدی در صف بود که ترورش ناکام ماند. با توجه به این تحول و ضرورت ایفای نقش در سیاست داخلی لبنان مقاومت این کشور «نبیه بری» رئیس جنبش امل را که ریاست پارلمان را هم برعهده دارد، به عنوان نماینده خود در رایزنی‌های سیاسی انتخاب کرد. مجموعه غرب به رهبری آمریکا و متحدان منطقه‌ای این کشور قصد داشتند با توجه به ضربات وارده به مقاومت با تحمیل رئیس‌جمهور مد‌نظر خود بتوانند از این اقدام به عنوان نمادی در جهت اخراج سیاسی مقاومت از ساختارهای قدرت منطقه بهره ببرند. در فقدان حضور مستقیم سیاسی مقاومت لبنان، نبیه بری و مسئولان ایرانی وظیفه ناکام گذاشتن پیشبرد دستور کارهای غربی در بیروت را برعهده گرفتند. سفرهای شجاعانه رئیس مجلس شورای اسلامی و وزیر خارجه ایران به بیروت همگان را هوشیار ساخت که نخواهند توانست مقاومت را از ساختار سیاسی لبنان و منطقه اخراج کنند. با آرایش مناسب و قدرتمند محور مقاومت در مناسبات سیاسی لبنان نه‌تنها جایگاه مقاومت لبنان در ساختار حکومتی این کشور تضعیف نشد بلکه به دلیل حمایت سنگین و مستقیم از جمله با درخواست آیت‌الله سیستانی، مرجع عالیقدر شیعیان از مسلمانان برای کمک به لبنان و پشتیبانی نزدیک ایران این جایگاه ارتقا یافت. حمایت‌های پررنگ آیت‌الله سیستانی تا جایی بر صهیونیست‌ها گران‌آمد که آن‌ها، ایشان را به ترور تهدید کردند.

اقتصاد انطباقی

آشنی که دشمن با دست خود پخت

وضعیت آوارگان لبنانی با سال ۲۰۰۶ تفاوتی اساسی دارد. لبنان از سال ۲۰۱۸ که جنگ نابودی این کشور در دولت ترامپ آغاز شد علی‌رغم شکست طرح مزبور همچنان با تبعات دست و پنجه نرم می‌کند. این تبعات باعث کاهش شدید ارزش پول ملی، از دست رفتن سپرده‌گذاری‌های مردم و تضعیف شدید سرمایه‌گذاری‌های خارجی شده‌اند. این مسائل موجب شده تا لبنانی‌ها با سستی‌های دوره تحریم انطباق بیشتری با وضعیت جنگی داشته باشند. کاهش ارزش پول ملی به بسیاری از کسب‌وکارهای محلی ضربه زد اما کسانی که در خارج از کشور مشغول به کار بوده و درآمد خود را به‌صورت حواله برای خانواده خود ارسال می‌کردند به مشکلی برخوردند؛ در نتیجه توجه به کار در خارج از لبنان که امری رایج بود بیشتر از گذشته شد. امروز آوارگان لبنانی درد بی‌خانمان شدن دارند اما بخشی از آن‌ها به لحاظ درآمدی متکی به حواله‌های ارسالی یک یا چند عضو خانواده در خارج از کشورند. سازمان مقاومت لبنان نیز شاهد رشد به خدمت گرفتن اعضا نبوده تا هزینه‌هایش دوچندان شود. وضعیت اقتصادی مقاومت نشان می‌دهد آن‌ها می‌توانند جنگ طولانی مدت را اداره کنند.

استحکام اجتماعی

جنایت‌های عربان رژیم و صحبت‌های بی‌پرده مسئولانش در خصوص خاک کشورهای اطراف برای همه آشکار ساخته مقاومت در برابر صهیونیست‌ها ضروری بوده و فوریت دارد. همین مسئله باعث افزایش تاب‌آوری مردم شده و طرفداران مقاومت را مصون ساخته است. درباره دیگر اقشار لبنان در میان اهل سنت و مسیحیان هم وضعیت مقاومت چندان بد نیست؛ به‌ویژه اهل سنت که نگاه‌های خاص به بحران غزه دارند و گروه جماعت اسلامی، شاخه اخوان المسلمین لبنان همراه با مقاومت این کشور وارد درگیری با رژیم شده و شهدایی را از سال ۲۰۲۳ تقدیم راه قد شریف کرده است. برخی از این مسلمانان در جریان جنگ سوریه به دشمن محور مقاومت تبدیل شده بودند اما به مرور با پی بردن به حقیقت، رفتار خود را تغییر دادند و به هم‌پیمانان مقاومت تبدیل شده‌اند. در میان مسیحیان هم علی‌رغم اختلاف‌افکنی‌ها گروه و فردی علیه مقاومت برخاسته است.



رژیم صهیونیستی یک دولت تلمودی ضد بشری است

افراطی حاشیه‌ای در رژیم صهیونیستی نیست، بلکه او یک رهبر مهم در دولت است و یکی از مسئولان حرکت استقرار و شهرک‌نشینی در کرانه باختری بوده و نماینده یکی از ارکان اصلی جریان صهیونیسم دینی است. اما از آنجا که برخی ممکن است خود را فریب دهند که این موضوع فقط به این شخصیت محدود است و او تأثیری بر سیاست دولت ندارد، باید بگوییم آنچه دانیا‌فلیس می‌گوید با آنچه به وضوح و روشنی امروز ما درایی اسرائیل، بشنلسلیم سموتریچ، زعيم جریان صهیونیسم دینی، مطرح کرد، هیچ تفاوتی ندارد. سموتریچ در یک ویدئویی در تاریخ ۱۹ مارس ۲۰۲۳ در پاريس، در جلسه‌ای برای بزرگداشت یهودی فرانسوی، ژاک کوپفیر، که در سال ۲۰۲۱ درگذشت و یکی از رهبران سازمان «اسرائیل تاب» بود، ظاهر شد.

سموتریچ در آن روز روی سکویی ایستاده بود که لوگوی آن شبیه نماد سازمان توریستی ارغون بود و تصویری اردن و فلسطین را با هم نشان می‌داد. همراه با شمعدان یهودی و عبارت «اسرائیل تاب». این رفتار او باعث خشم اردن شد که بیاتیه رسمی صادر کرده و به این عمل اعتراض کرد.

اما سموتریچ بار دیگر با یک اظهار نظر جنجالی در مستند فرانسوی به نام «اسرائیل: وزرای صهیونیستی» در سال ۲۰۲۴ ظاهر شد و به صراحت اعلام کرد: «اسرائیل می‌تواند آنچه را که می‌خواهد انجام دهد» و آنجا اعلام کرد که «مرزهای اسرائیل، مرزهای مطلق خداوندند.» این سؤالاتی را مطرح می‌کند. آیا این افکار و اظهارات فقط بر اساس احساسات دینی و باورها در یک دولت جدی‌اند؟ آیا علاقه است که ما این حاکمیت را نادیده بگیریم؟ آیا باید به «اسرائیل بزرگ» به عنوان یک رؤیا نگاه کنیم، یا آن را به عنوان یک واقعیت جاری در عرصه میدانی، و نه فقط روی نقشه‌ها؟ این اظهارات شگفت‌انگیز و مضمح‌کن نوعی جنگ سرد جدیدی را صورت‌بندی کرده است و با این اوصاف، صدها هزار پرنسپس‌ها بر خلاف انتظار، در سرزمین ما صادیسی نو در تلاش برای ایجاد تغییر در مرزهای رژیم اشغالگر قدس ایجاد کرده، همان‌طور که بر اساس تصور خودشان تفسیر کرده‌اند. ما باید به واقعیت‌های میدانی و اظهارات آن‌ها توجه کنیم؛ چراکه این فقط جست‌وجوی مصلحت‌جویانه و آرامش ما نیست، بلکه سرنوشته و آینده ماست.

در نیویورک در سال ۱۹۹۰ فریاد می‌زد.

جریانی که امروز بر رژیم صهیونیستی تسلط دارد و در تلاش است تا خود را در آن تثبیت کند و دولت را به‌طور کامل بر اساس دیدگاه دینی خود باطراحی‌کند، به یک دولت شرعی و دینی و بر اساس متون تورات و تلمود حکومت می‌کند و هیچ‌گونه سیاست یا تغییرات منطقه‌ای را نمی‌بیند. این یک جریان دینی است که خود را مجردی دستورات خداوندی می‌داند که در تورات و تلمود آمده است. جالب است که منظور این جریان و تأثیر آن در ادامه و گسترش این جنگ هم‌زمان با بازگشت دوباره ایده «اسرائیل بزرگ» همراه بود، ایده‌ای که تلاش‌های جریان‌های صلح در رژیم صهیونیستی یا در کشورهای عربی برای متقاعد کردن مردم به اینکه این ایده در تفکر اسرائیلی یا عقل صهیونیستی وجود ندارد، بی‌ثمر بود. جریان صهیونیسم دینی آمد تا برده را بردارد و این موضوع را دوباره به شدت روی کار بیاورد و از طریق اظهارات مستقیم که تعدادی از رهبران این جریان بارها گفته‌اند، به ما نشان می‌دهد آنچه به ما گفته شده بود، واقعیت بوده است! در مستند تولید شده توسط شبکه TRT World با عنوان «خلاصی مقدس»، دانیا‌فلیس، یکی از بزرگ‌ترین رهبران این جریان و متخصص در برنامه‌ریزی و تحریک برای استقرار در کرانه باختری و جذب میلیشیا‌های معروف به «پسران تپه» از میان شهرک‌نشینان افراطی در کرانه باختری، می‌گوید: «مرزهای دولت یهود، مرزهایی است که خداوند به ابراهیم وعده داده است؛ از فرات تا نیل» و هنگامی که در مصاحبه‌ای درباره اینکه آیا این مرزها شامل سرزمین‌های کشورهای دیگر می‌شود، او سؤال شد، او پاسخ داد: البته، شامل سرزمین‌های کشورهای دیگر می‌شود، اما ما کتاب مقدس خود را داریم و این تنها سندی است که به آن نیاز داریم.» او به آیهای از سفر پیدایش (۱۵: ۱۸) در تورات اشاره می‌کند که در آن خداوند وعده‌ای به ابراهیم می‌دهد: «به‌نسبت این سرزمین داده می‌شود، از نهر مصر تا نهر بزرگ، نهر فرات»، او و پیروانش چنین تفسیری‌کنند که منظور از نسل ابراهیم در این متن دینی، بنی اسرائیل یا یهودیان امروزی‌اند. ایده «اسرائیل بزرگ» هرگز خیال و رویایی نبود، بلکه یک دیدگاه واقعی است که گروه‌های دینی افراطی در رژیم صهیونیستی در تلاش برای تحقق آنند، بی‌توجه به آرزوهای صلح یا ثبات منطقه‌ای. دانیا‌فلیس تنها یک شخصیت

بسته‌اند، می‌دانستیم.

اما صهیونیسم دینی امروز یک دولت دینی و شرعی است که به روایات دینی و متون تورات و تلمود اعتقاد دارد و هیچ‌گونه محدودیتی در سیاست یا تغییرات منطقه‌ای برای آزمنندی خود برای «ایجاد اسرائیل بزرگ» نمی‌بیند. باگذشت زمان، آرزوهای صلح تحت فضیحت‌های آبی که اسرائیل در سال ۱۹۹۸ در اردن فرستاد، از هم پاشید و آن تصویر زبیا از رژیم صهیونیستی که برخی تلاش می‌کردند مردم عرب را به آن متقاعد کنند، با طوفان‌های اشغال و بمباران‌های هوایی رژیم صهیونیستی که شهرهای فلسطینی را در خلال انتفاضه الاقصی هدف قرار دادند، فرو ریخت و همه چیز به یک سمت دیگر حرکت کرد. زمانی که جنگ در لبنان در سال ۲۰۰۶ رخ داد و ارتش رژیم صهیونیستی سپس چهار بار به نوار غزه یورش برد و پنجمین آن را که امروز زندگی می‌کنیم، تجربه کردیم. وحشی‌گری رژیم صهیونیستی که با سفیر سفید بمباران می‌کرد و هیچ تردیدی در رفتار خود با غیرنظامیان نداشت، روشن‌تر شد. با این حال، همه اینها برای برخی از مدعیان عقل و حکمت که در هر بار به رژیم صهیونیستی، عذری می‌دادند، فرقی نکرد و آن‌ها همچنان بر این عقیده بودند که مقصر، مقاومت فلسطینی یا لبنانی است که «اقدام تحریک‌آمیز» انجام داده و رژیم صهیونیستی را به «پاسخ شدید» وا داشته است، گویی که مقصر کردن قربانی یک عادت در طول سال‌های گذشته است.

اما همه چیز در حال حاضر در سایه جنگ خونینی که رژیم صهیونیستی در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ طی عملیات طوفان الاقصی اعلام کرد، تغییر کرده است و با وجود اینکه همان صدها دوباره به ما بازگشتند که قربانی را مقصر می‌دانند، اما چیزی در رژیم صهیونیستی این بار تغییر کرده است.

آنچه توجه‌گویی جنایات رژیم صهیونیستی را این بار سخت‌تر از پیش می‌کند، حاکمیت آن است؛ این اولین جنگی است که تحت حاکمیت گروه‌های جریان صهیونیسم دینی کاهانی (ارتودکس) رخ می‌دهد که اصلاً به دیگری اعتقادی ندارند و هیچ‌گونه ایده‌ای برای همزیستی یا صلح در مورد عرب‌ها ندارند، بلکه به پاک‌سازی کامل و نسل‌کشی جامع اعتقاد دارند و این همان چیزی است که خاخام ماتیر کاهانا، پدر روحانی این جریان، قبل از ترور خود